



زیبایی و آراستگی؛ شرح رفتار «شما» با «ظاهر»

حسین سلیمانی



شناسنامه: سلیمانی، حسین، عنوان و نام پدیدآور: زیبایی و آراستگی؛ شرح رفتار شما با ظاهر/ حسین سلیمانی؛ تهیه: معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی آستان قدس رضوی. مشخصات اثر: مشهد، انتشارات قدس رضوی، ۱۳۹۳، فروست: رهنما ۱۱۵، شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۹۹-۱۸۵-۰۰-۰۰. وضعیت فهرست‌نویسی: فیا. یادداشت: سبک زندگی، راه و رسم زندگی (اسلام)، زیبایی شخصی - جنبه های مذهبی - اسلام، فرهنگ ظاهرآرایی. شناسه افزوده: آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی، رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۳ از اس ۸۷۳/۲.BP۲۳۲۲. رده‌بندی دیویی: ۳۹۷/۶۳۶. شماره کتابشناسی ملی: ۳۵۹۸۷۳۷.

نام اثر : زیبایی و آراستگی؛ شرح رفتار «شما» با «ظاهر»

نویسنده : حسین سلیمانی

تهیه و تولید : اداره تولیدات فرهنگی آستان قدس رضوی

به سفارش : اداره پاسخ‌گویی به سؤالات دینی آستان قدس رضوی

چاپ اول : پاییز ۱۳۹۳ شمارهگان : ۳۰۰ نسخه

ناشر : انتشارات قدس رضوی شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۲۹۹-۱۸۵-۰۰-۰۰

به‌کوشش : محمدحسین پورامینی

مدیر هنری : مریم سادات منصوری

ویراستار : زهرا مولایی

نشانی : مشهد مقدس، حرم مطهر امام‌رضا علیه السلام، اداره پاسخ‌گویی به سؤالات دینی

تلفن : ۰۵۱-۳۲۲۳۵۳۱۲ شماره : ۰۵۱-۳۲۲۴۰۶۰۲

پست الکترونیک : rahnama.eq@gmail.com

فهرست

۹	درآمد
۱۱	فصل اول: «می خواهم الگو شوم!»؛ سلامت و بهداشت
۱۹	فصل دوم: «کت شلوار با دمپایی دستشویی!»؛ آراستگی
۲۹	فصل سوم: «چه بیوشم؟»؛ لباس و پوشش
۳۹	فصل چهارم: «خانه مهرا!»؛ مسکن
۵۱	فصل پنجم: «ضرورت!»؛ خرید
۵۷	فصل ششم: «بخوانیم و بنویسیم»؛ زبان فارسی

زیبایی و آراستگی

شرح رفتار «شما» با «ظاهر»

دریچه ?

به ظاهرت فکر می‌کنی، و به رابطیات با «او»، از خودت سؤال می‌کنی:

۱. سلامت و بهداشت چه نقشی در زندگی و ظاهرت دارد؟

۲. چگونه باید آراستگی را رعایت کنی؟

۳. لباس و پوشش چگونه باید باشد؟

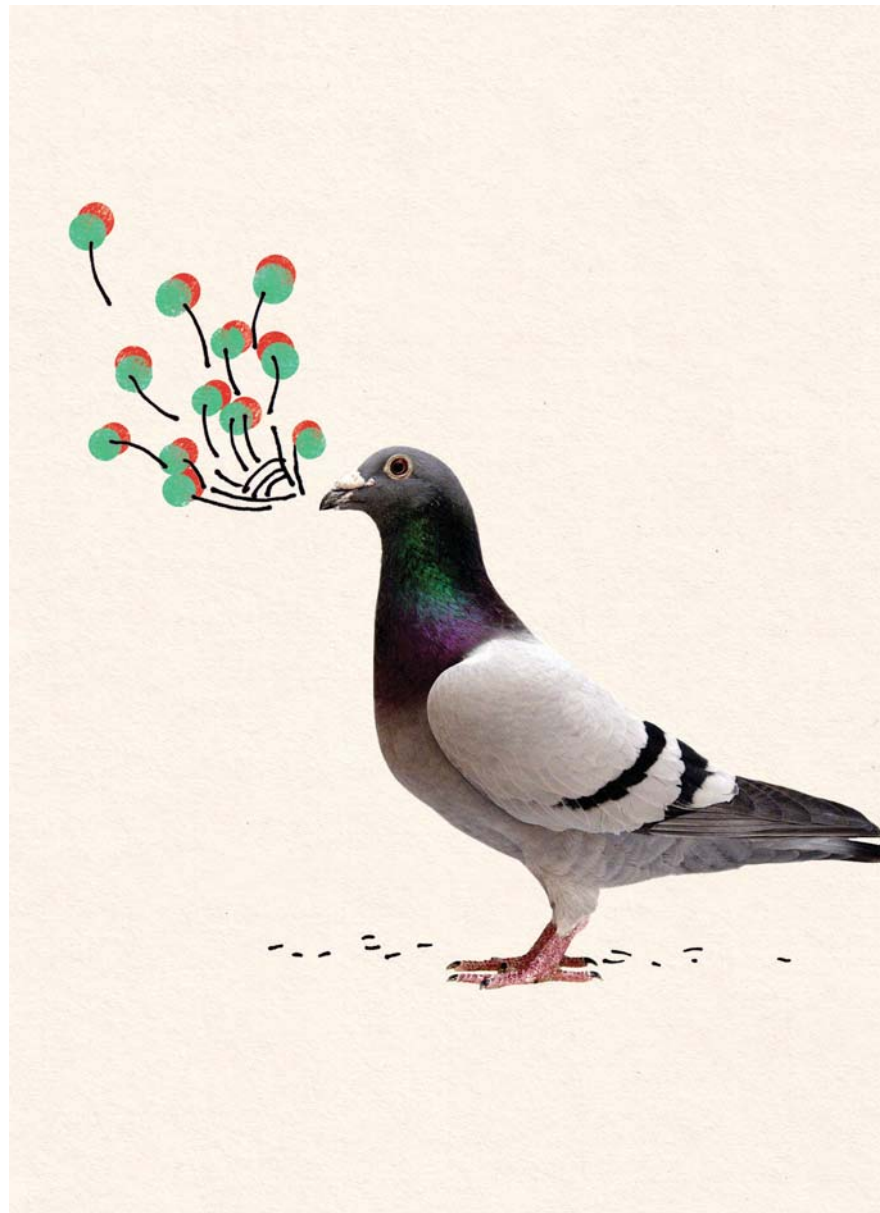
۴. خانهات چگونه باید باشد؟

۵. و به طور کلی رفتارت با ظاهرت چگونه باید باشد؟

«زیبایی و آراستگی» فرمول‌هایی هستند در جهت پاسخ به

سؤالات بالا و شرح رفتار «تو» با «ظاهر» بر اساس مبانی

اسلام.



درآمد

یکی از ابعاد پیشرفت با مفهوم اسلامی عبارت است از سبک زندگی کردن ... مثل نوع مسکن، نوع لباس ... مسئله خط، مسئله زبان ... این‌ها [قسمتی از] آن بخش‌های اصلی تمدن است که متن زندگی انسان است ... برای ساختن این بخش از تمدن نوین اسلامی، به شدت باید از تقلید [از غرب] پرهیز کنیم.^۱

یک قلم و چند مداد رنگی داده‌اند تا چیزی بکشی و رنگش کنی، یادت می‌آید دوران مدرسه را که معلّم یادتان می‌داد چگونه نقاشی بکشید و می‌گفت: «بچه‌ها نقاشی‌ها وقتی قشنگ‌تر می‌شن که چیزایی رو که کشیدیم همون جوری بکشیم و رنگ کنیم که خدا کشیده و رنگشون کرده.»

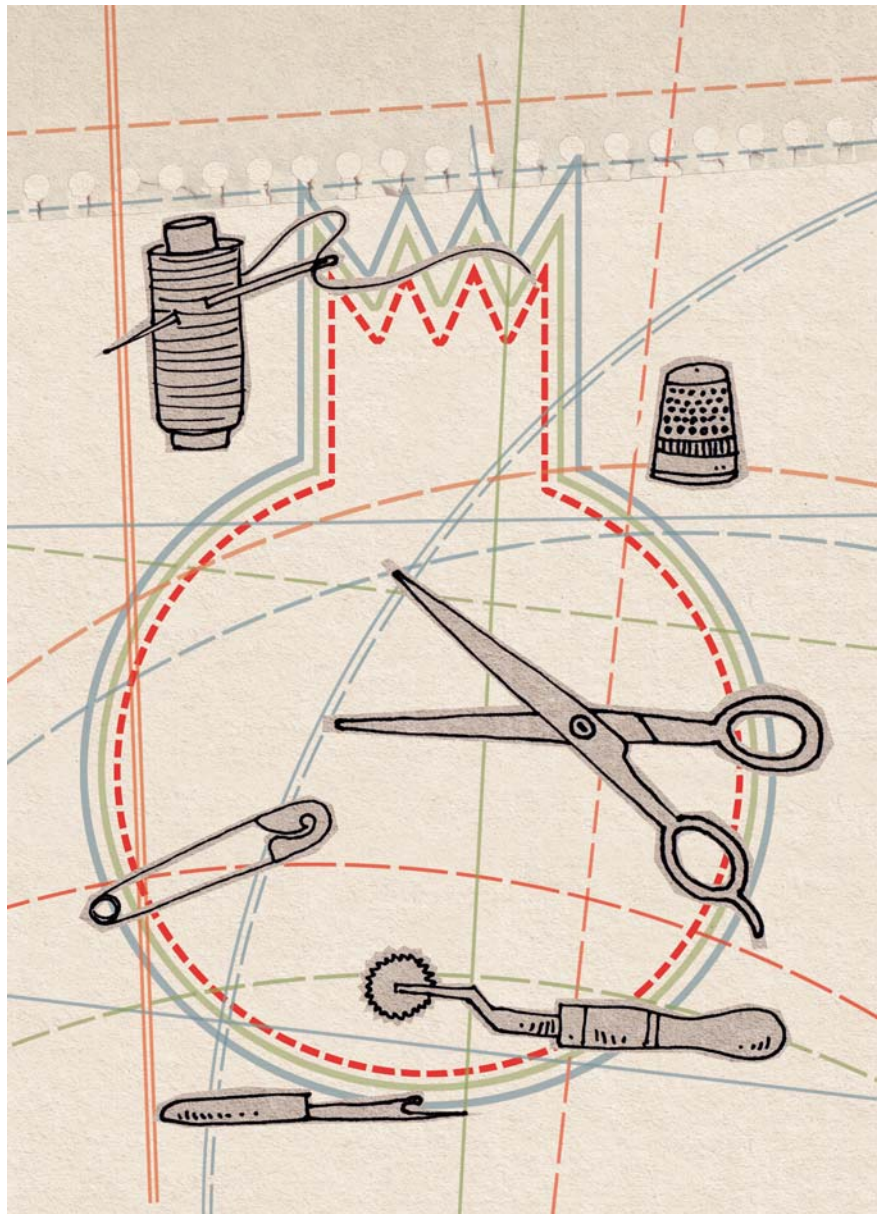
و انسانی که کشیده بودی و رنگ سیاهش را پاک کردی و سعی کردی انسان را جوری بکشی که خدا می‌خواهد. این روایت نقاشی و رنگ آمیزی است.

۱. مقام معظم رهبری در دیدار با جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳.

می خواہم الگو شوم!



فصل اول



سلامت و بهداشت

یک ریش فوق العاده بلند، نسبتاً غیر تمیز! یک شلوار پلنگی هشت جیب، یک پیرهن بلند، چشمانی تیزبین و گاهی غیر تیزبین، کفشی نیمه ور کشیده، گاهی با جوراب و گاهی بی جوراب و در کل انسانی ژولیده و نامرتب که بوی عطر هرگز از او استشمام نمی‌شود!، خانه‌ای که مرتب و منظم نیست و بوی زباله‌هایی که آشپزخانه را پر کرده‌اند و ...

در ذهن بعضی‌ها، این تصوّر و تعریف غلط از یک انسان مسلمان و بهداشت وی است! یعنی به برخی آدم‌ها تا از یک انسان مسلمان می‌گویی ذهنشان می‌رود سمت چنین ظاهر و چنین بهداشتی!

چرا باید به غلط چنین چیزی در ذهن برخی باشد؟

اگر همه ما به یک فرمول عمل کنیم نقاشی و رنگ‌آمیزی بخشی از زندگی‌مان به کلی تغییر می‌کند، این فرمول در خدمت سلامت و بهداشت است:



«یکی از موارد ایمان = نظافت و پاکیزگی»^۱

جدای از اینکه نظافت و بهداشت بخشی از فطرت آدمی است، انسان ذاتاً پاک و پاکیزگی را دوست دارد، یک بعد دیگر هم دارد، انسان مؤمن نشانه و نمونه‌ای از اسلام هم هست، بخواهیم یا نخواهیم وقتی کسی اسلام و ایمان را به خودش وصل می‌کند، می‌شود نمونه‌ای از اسلام، راه رفتنش، غذا خوردنش، زندگی کردنش، تیپ و ظاهرش و ... همگی می‌شوند نمونه‌ای از اسلام و اگر درست باشند می‌شوند تبلیغی خوب برای اسلام و اگر درست نباشند ... بگذریم.

آدم‌های زیادی دیده‌ایم که فقط به خاطر تیپ و ظاهر غیرمنظم و پاکیزه برخی انسان‌های به ظاهر مؤمن تمایلشان به دین کم شده است و برعکس آدم‌های زیادی فرضاً یک روحانی را فقط و فقط به خاطر چین‌های تمیز عمامه‌اش دوست داشته‌اند و به تبع آن به اسلام هم علاقه‌مند شده‌اند. می‌خواهیم بگویم مسئله پاکیزگی و نظافت مسئله بسیار مهمی است.

۱. رسول خدا ﷺ می‌فرمایند: نظافت از ایمان است و ایمان به همراه صاحبش در بهشت هستند (مستدرک‌الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۱۹).



﴿وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ﴾^۱

و خداوند پاکیزگان را دوست دارد.

جریانی که برای یکی از علماء رخ داده بود، ماجرایش بسیار عبرت‌انگیز است.

این عالم بزرگوار در حال مسافرت از شهری به شهری دیگر، در بین راه برای رفتن به دستشویی در کنار مسجدی از ماشین پیاده می‌شود، راننده این عالم بزرگوار بعد از مدتی احساس می‌کند تأخیر این عالم در بازگشت به ماشین زیاد شده است و نگران می‌شود، به سمت دستشویی می‌رود و می‌بیند که حاج آقا مشغول تمیز کردن و شستشوی دستشویی‌های آنجاست. راننده از آن عالم عزیز به خاطر این کارش سؤال می‌کند و آن عالم در جواب می‌گوید: «غیر مسلمان‌ها به این منطقه رفت و آمد دارند؛ خوب نیست ببینند دستشویی مسلمان‌ها این قدر کثیف است!»



كَانَ [الرِّضَا] عليه السلام يَدْخُلُ الْمُتَوَضَّأَ فِي خُفِّ صَغِيرٍ.^۱
امام رضا عليه السلام [به جهت رعایت نظافت و بهداشت] برای
دستشویی رفتن از کفش دیگری استفاده می‌کرده‌اند.

واقعاً گاهی ما در حق اسلام خیلی جفا می‌کنیم، اسلامی را که سراسر تمیزی و نظافت است و حتی برای چگونگی رفتن به دستشویی هم آداب خاص و ذکر دارد، درست رعایت نمی‌کنیم و باعث می‌شویم هم خودمان ضرر کنیم و هم دیگران تصویر مناسبی از اسلام در ذهنشان نباشد.

هیچ دین و شریعتی به اندازه اسلام و هیچ پیامبری به اندازه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به بهداشت و نظافت توجه نکرده است. توجه ویژه به مسواک، به بوی خوش، به آراستگی ظاهر، به تمیزی موها، به دفع به موقع زباله‌ها، به رعایت بهداشت محل زندگی، به رعایت بهداشت و نظافت خیابان و ... آنقدر روایت و آیه در خصوص نظافت و بهداشت داریم که ذکر آن‌ها مجال وسیعی می‌خواهد و در اینجا فرصت بیانشان نیست، اما حیف که گاهی این مسائل را رعایت نمی‌کنیم.

۱. مکارم/لاخلاق، ص ۱۲۱.



پيامبر از دوران کودکی، موجود نظیفی بود. برخلاف بچه های مکه و برخلاف بچه های قبایل عرب، نظیف و تمیز و مرتب بود. در دوران نوجوانی، سر شانه کرده؛ بعد در دوران جوانی، محاسن و سر شانه کرده؛ بعد از اسلام، در دورانی که از جوانی هم گذشته بود و مرد مسنی بود پنجاه، شصت سال سن او بود، کاملاً مقید به نظافت بود.^۱

حالا ببینید همه باهم الگو شویم! یعنی بشویم الگویی از اسلام و ظاهر خودمان و زندگی مان را با نظافت و بهداشتی که مدنظر اسلام است، اسلامی کنیم.

توجه به بوی خوش، توجه به لباس تمیز، توجه به مسواک، توجه به از بین بردن به موقع موهای زائد بدن، توجه به چیدن به موقع ناخن ها، توجه به حمام رفتن، توجه به بهداشت اماکن عمومی و اسلامی و ...

این آراستگی ظاهر کم کم به درون انسان هم سرایت می کند و وجود انسان را هم پاکیزه می کند، یک مغازه دار نمی تواند بگوید مغازه دار خوبی است وقتی ویتترین مغازه اش نامرتب و کثیف است و یک انسان مؤمن نمی تواند بگوید مؤمن کامل است وقتی به تمیزی و نظافت و

۱. مقام معظم رهبری در خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۹/۰۲/۲۳.

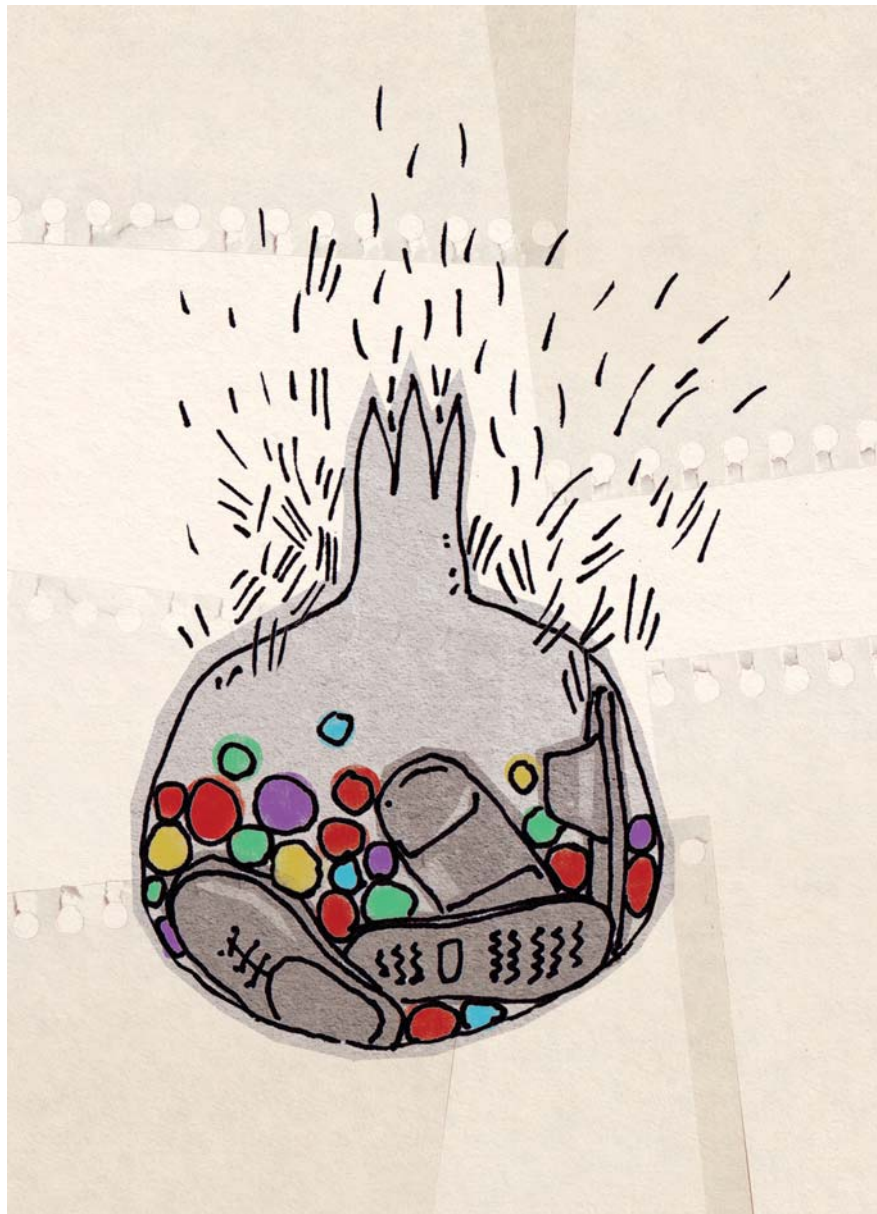
بهداشت اهمیت نمی‌دهد.

چه خوب می‌شود زندگی و چقدر لذت بخش می‌شود زندگی کردن
اگر ظاهر خودمان و جامعه‌مان را همانگونه رنگ آمیزی کنیم که خدا
می‌خواهد و خدا سفارش کرده است. قلم رنگ آمیزی به دست شماست.
به چیزی که خدا می‌خواهد نگاه کنید و رنگش کنید.

کت شلوار با دمپایی دستشویی!



فصل دوم



آراستگی

در لباس و پوشش، اگر مردی مایویی را که مربوط به استخر است، بپوشد و بعد با کفش پاشنه بلند زنانه و یک پیرهن مخصوص میهمانی ظاهر بشود، احتمالاً وی را به تیمارستان معرفی خواهیم کرد. یا مثلاً اگر کسی با آفتابه چایی بخورد احتمالاً زودتر از فرد قبلی به تیمارستان معرفی‌اش می‌کنیم، یا مثلاً همین عنوان مطلب، کت شلوار با دمپایی دستشویی؛ اگر کسی این دو را با هم بپوشد، واقعاً انسان خنده‌اش می‌گیرد و می‌داند که این‌ها با همدیگر تناسب ندارند.

حتماً تا به حال اسم خشکشویی را شنیده‌اید، بعضی‌ها لباس را می‌دهند فقط برای شستن و بعضی‌ها لباس را می‌دهند به خشکشویی‌ها هم برای شستن و هم برای اتو کردن. اگر کسی لباسش تمیز باشد اما اتو نداشته باشد یک چیزی کم است، یعنی انسان پوشیدن لباس تمیز ولی غیر اتو کرده و غیر آراسته را نمی‌پسندد. اگر کسی موهایش تمیز باشد اما آن‌ها را شانه نکرده باشد و ژولیده باشد یک چیزی کم است و انسان موی تمیز را به تنهایی کافی نمی‌داند و ...

تمیزی به تنهایی کافی نیست. بعد از تمیزی آراستگی هم مهم است.

استفاده از عطر، مرتب و منظم بودن موها، اتو کشیده و منظم بودن لباس‌ها و حتی تناسب لباس‌ها از جهت جنس و رنگ و ... با همدیگر همگی جزو آراستگی محسوب می‌شوند. همانگونه که هیچ دینی به اندازه اسلام به تمیزی اهمیت نداده است، هیچ دینی هم به اندازه اسلام به آراستگی اهمیت نداده است، پیامبر اسلام ﷺ جدای از تمیزی به آراستگی هم اهمیت می‌داده‌اند^۱ و همیشه لباس‌هایشان، موها و ریش‌هایشان و ... آراسته و مرتب بوده است.



پنجره

(پیامبر ﷺ) وقتی می‌خواست نزد مسلمانان و رفقا و دوستانش برود، حتماً عمامه و محاسن را مرتب و تمیز می‌کرد، بعد بیرون می‌آمد. همیشه با عطر، خود را معطر و خوشبو می‌کرد. ... هر روز چند مرتبه مسواک می‌کرد. دیگران را هم به همین نظافت، به همین مسواک، به همین ظاهر مرتب دستور می‌داد.^۲

اساساً تمیزی بدون آراستگی فایده‌ای ندارد و آراستگی هم بدون تمیزی بی‌فایده است. نمی‌شود کسی اتو کشیده ولی کثیف باشد،

۱. رسول خدا ﷺ آراستگی را دوست داشت و زولیده بودن را نمی‌پسندید (مکارم/الاخلاق، ص ۳۳).
 ۲. مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۹/۰۲/۲۳.

نمی‌شود کسی لباسش تمیز باشد ولی اتو نداشته باشد، انسان این‌ها را کامل نمی‌داند.

خلاصه که اسلام همانند تمیزی برای آراستگی هم فرمول دارد، یک فرمول کاملاً ساده که هم برای زنان است و هم برای مردان. و تنها تفاوت میان زنان و مردان در این فرمول خصوصیات جنسیتی آنان است که مثلاً بلند کردن ناخن برای زن زینت است و خوب است اما برای مرد خوب نیست^۱ و ... البته دقت شود که وقتی ناخن بلند شد باید آن را از نامحرم پوشاند.

با عمل کردن به این فرمول راز در کنار فرمول پاکیزگی ظاهر انسان می‌شود مطلوب اسلام و ظاهر انسان همانگونه رنگ می‌شود که خداوند می‌پسندد.

پنجره

«مرتّب بودن لباس‌ها و تناسبشان + اصلاح و پیرایش + بوی خوش + استفاده از زینت = آراستگی انسان مؤمن»

۱. پیامبر ﷺ به مردان می‌فرمودند: ناخن‌هایتان را بگیرید و به زنان می‌فرمود: بعضی ناخن‌هایتان را نگه‌دارید که داشتن برخی ناخن‌های بلند برای زنان زینت است (مکارم/الاخلاق، ص ۶۶).

استادی همیشه سعی می‌کرد جدای از اتو کشیده و مرتب بودن لباس هایش، رنگ آن‌ها و مدل دوختشان هم با هم تناسب داشته باشد، همین کارش و همین توجهش در سفرهای تبلیغی هم دید خوبی نسبت به مبلغین داده بود و هم اینکه ارتباطش با جوان‌ها و مردم رنگ دیگری گرفته بود.

علتش این است که انسان زیبایی آراستگی و تمیزی را دوست دارد و همچنین انسان آراسته راحت‌تر و بهتر در دل می‌نشیند. پیامبر ﷺ بیش از هر فرد دیگری به این موارد اهمیت می‌داده‌اند و به نظر می‌رسد یکی از دلائل مهم قرار گرفتن پیامبر ﷺ در دل مردم هم همین بوده است.

بعد از مسئله لباس، مسئله اصلاح و پیرایش به وجود می‌آید، شانه کردن موهای سر^۱ و صورت، منظم بودن آن‌ها و ... این مسئله هیچ ارتباطی به دارایی یا نداری انسان ندارد، و از ویژگی‌های انسان مؤمن است.^۲

بوی خوش و استفاده کردن از زینت (مانند انگشتر) و هر نوع از کارهای شرعی و حلال دیگری که به آراستگی کمک می‌کنند، برای

۱. پیامبر ﷺ می‌فرمایند: کسی که موی سرش را نگه می‌دارد باید با خوبی با آن رفتار کند (دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۵۸).

۲. امام صادق ﷺ می‌فرمایند: از ویژگی‌های مؤمن، زیبایی و آراستگی در عین نداری است (اصول کافی، ج ۲، ص ۲۳۱).

جسم انسان نیز دارای فائده است.^۱

آخرین نکته‌ها در خصوص آراستگی است. این مسائل خیلی مهم هستند، جدای از اینکه این مسئله در جامعه دارای جایگاه است، در تحکیم بنیان خانواده نیز مؤثر است و اسلام به آن سفارش کرده است.^۲ زن و شوهرهای زیادی هستند که به خاطر رعایت نکردن این موارد از ناحیه شریک زندگی‌شان کارشان به جدایی و طلاق کشیده است. مردان زیادی بوده‌اند که زنانشان به آراستگی و تمیزی و آرایش کردن و ... برای آن‌ها اهمیت نمی‌داده‌اند و بعد از مدتی یا جدا شده‌اند و یا اینکه همسرانشان به انحراف کشیده شده‌اند. و برعکس این هم هست و زنان زیادی بوده‌اند که عدم توجه شوهرانشان به آراستگی باعث انحرافشان شده است.



پنجره

امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

إِنَّ فِي الْخُضَابِ أَجْرًا وَالْخُضَابُ وَالتَّهَيُّةُ مِمَّا يَزِيدُ اللَّهَ عَزًّا وَجَلًّا فِي عِفَّةِ النِّسَاءِ وَلَقَدْ تَرَكَ النِّسَاءُ الْعِفَّةَ بِتَرْكِ

۱. پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: استفاده کردن از بوی خوش جسم را شاداب می‌کند (طَبِّ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ)، ص ۲۵). امام صادق علیه السلام می‌فرماید: شانه کردن سر تب را از بین می‌برد و شانه کردن ریش دندان‌های انسان را محکم می‌کند. (اصول کافی، ج ۶ ص ۴۸۸).
۲. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: شایسته نیست زن آراستن خود [برای شوهرش] را تعطیل کند، هر چند به انداختن گردنبندی باشد (اصول کافی، ج ۵، ص ۵۰۹).

أَزْوَاجَهُنَّ لَهِنَّ^۱.

خودآرائی مردان مایهٔ افزایش عفت و پاکدامنی زنان است، [چرا که] برخی زنان بر اثر ناآراسته بودن مردانشان شوهرانشان را رها کرده‌اند.

نکتهٔ آخر هم اینکه باید توجه شود، این کارها، این آراستگی‌ها و آرایش‌ها و زینت‌ها باید در محدودهٔ احکام الهی باشد، باید حد و حدود در آن‌ها باید رعایت شود^۲ و ...

امروزه حتی عطرهایی رواج پیدا کرده‌اند که توجه جنس مخالف را جلب می‌کنند و متأسفانه برخی زنان و مردان به جای آنکه از این عطرها و این گونه مسائل برای همسرشان استفاده کنند، با استفاده از این موارد در جامعه و کوچه و خیابان باعث انحراف خود و دیگران می‌شوند.

اینکه زنی خودش را جوری بیاراید که مردان نامحرم از او خوششان بیاید یا اینکه مردی به گونه‌ای لباس بپوشد که مورد توجه زنان نامحرم قرار بگیرد و بعد بگوید: «اسلام گفته است آراسته باشید!» یک شوخی بزرگ و مسخره‌کردن اسلام است! این مثل این می‌ماند که فردی دزدی کند و بعد بدهد به فقرا و بگوید اسلام گفته است به فقیر کمک کنید!

۱. وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۸۸ و ۸۹.

۲. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: بپوش و آراسته باش چرا که خدا زیباست و زیبایی را اگر از حلال باشد دوست دارد (وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۶).



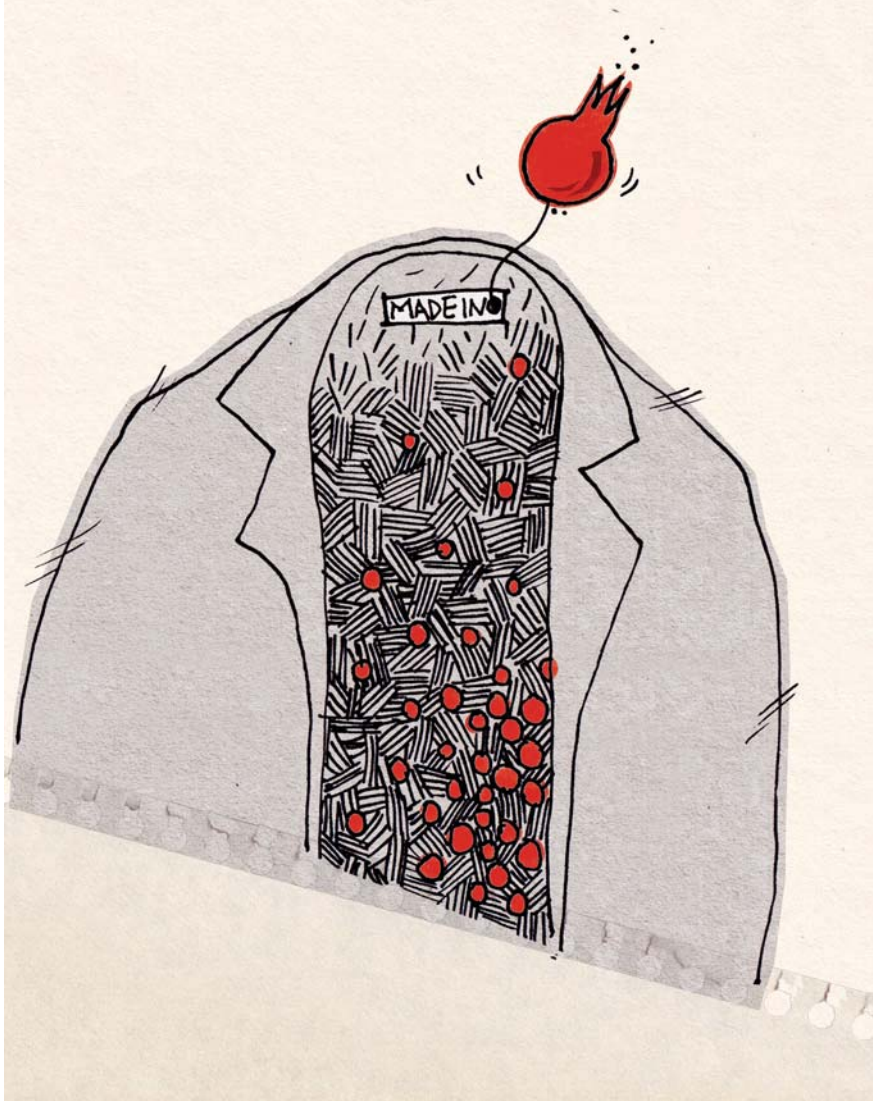
﴿ يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ ﴾^۱

ای فرزندان آدم، زینت و آراستگی خود را در هر مسجدی
همراه داشته باشید.

چه بپوشم؟



فصل سوم



لباس و پوشش

همیشه وقتی یک عده از مردان می‌خواهند زنان را کمی به سخره بگیرند یکی از دست‌آویزهایشان برای تمسخر این است! «چه بپوشم؟» این سؤال را معمولاً خانم‌ها وقتی می‌خواهند به یک مجلس یا میهمانی بروند می‌پرسند، یعنی با جدیت می‌توان گفت که خانمی نیست که برای رفتن به میهمانی با این سؤال مهم روبه‌رو نباشد.

این سؤال با اینکه دست‌آویزی برای تمسخر شده است اما یک سؤال کاملاً مهم است که اتفاقاً دین اسلام هم به آن پاسخ گفته است، یعنی درست است که عده‌ای با این سؤال خانم‌ها را مسخره می‌کنند ولی این سؤال به قدری دارای اهمیت بوده است که اسلام هم برای آن پاسخی در نظر گرفته است. تعجب نکنید، اسلام از قبل از تولد تا پس از مرگ برای زندگی کردن برنامه دارد، در این فرمول می‌خواهیم همه بشویم مانند خانم‌ها موقع رفتن به میهمانی و این سؤال را از اسلام بپرسیم: «چه بپوشم؟»

فقط فرقی این است که اسلام یک فرمول می‌دهد که این فرمول هم در میهمانی و هم در غیر میهمانی به کار می‌آید، اساساً این فرمول

یک فرمول است برای پوشیدن، در هر مکان و در هر زمانی که باشد، فرقی ندارد در کدام کشور و کدام شهر باشیم، یا در چه مجلسی و چه جایی، فرقی ندارد در چه زمانی باشیم، زمستان، تابستان، در قرن بیست و یکم میلادی و یا قرن سوم هجری قمری! این فرمول در همه‌ی مکان‌ها و زمان‌ها کاربرد دارد.

فرمول پوشش و لباس از نظر اسلام این است:

پنجره

«تمیز + ساده + راحت + موازین شرعی - مدل
بیگانگان»

لباس یک انسان مؤمن در مرحله‌ی اول باید تمیز باشد، تمیزی معنی‌اش نو بودن نیست، ممکن است یک لباس کمی کهنه شده باشد اما تمیز و مرتب باشد، پس به نظر می‌رسد این مدل‌هایی که متأسفانه جدیداً رواج پیدا کرده است که لباس را کثیف می‌کنند و با آن در خیابان می‌گردند از نظر اسلام مردود است و اسلام این لباس‌ها را نمی‌پسندد، این نکته‌ی اول.

نکته بعدی در مورد لباس این است که لباس باید ساده باشد، اسلام با لباس تجملاتی مخالف است، اسلام لباس ساده را برای انسان‌های

مؤمن می‌پسندد. منظور از ساده هم مشخص است هر کسی به اعتبار عرف عمومی دینداران جامعه اسلامی باید در نظر بگیرد، هر لباسی را که در نظر بگیرید معمولاً بالاتر از آن هم وجود دارد، پایین‌تر از آن هم وجود دارد، پس انسان نباید خودش را گول بزند و لباسش را با بالاتر از خودش مقایسه کند و بگوید لباسم ساده است! عرف عمومی دینداران جامعه و شرایط زمانه مشخص است و انسان اگر یک مقدار انصاف داشته باشد خودش متوجه می‌شود چه لباسی در عین مطابقت با زمانه ساده است و چه لباسی تجملاتی محسوب می‌شود، فقط کافی است چشمانتان را ببندید و به روحتان مراجعه کنید، پاسخ را خواهید یافت.



بِنِجْرَه

امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

إِنَّ أَهْلَ الضَّعْفِ مِنْ مَوَالِيٍّ يُحِبُّونَ أَنْ أَجْلِسَ عَلَى اللُّبُودِ وَ
الْبَسِ الخَسِيفِ، وَ لَيْسَ يَتَحَمَّلُ الزَّمَانُ ذَلِكَ^۱.

دوستداران کوتاه‌اندیش من دوست دارند که من روی نمدمشینیم و لباس درشت بیویشم، در حالی که زمانه [ما] این را نمی‌پذیرد.

۱. بحارالأنوار، ج ۷۶، ص ۳۰.

مطلب بعدی راحتی لباس است، انسان باید لباسی را انتخاب کند که در آن راحت باشد، منظور از راحتی هم راحتی جسمی است و هم راحتی روحی. راحتی جسمی یعنی انسان لباسی به تن کند که بدنش را اذیت نکند، حالا این اذیت ممکن است به خاطر نوع دوخت یا مدل لباس و یا تنگی و گشادی آن و ... باشد. راحتی روحی هم یعنی انسان از اینکه این لباس را به تن دارد احساس خوبی داشته باشد، ملاک احساس خوب هم یک چیز است: «رضایت خدا»

چرا این را می‌گوییم؟ چون ممکن است فردی به خاطر هوای نفسش از یک لباسی خوشش بیاید و به علت فخر فروشی یا جلوه‌کردن در بین دیگران و یا تکبر^۱ آن لباس را به تن کند و به این علت از داشتن آن لباس احساس راحتی روحی کند!

این کار یعنی به خاطر جلوه‌کردن در بین دیگران لباسی را پوشیدن مناسب یک انسان مؤمن نیست، انسان مؤمن باید احساس راحتی روحی‌اش از لباسش به خاطر این باشد که احساس کند رضایت خدا را در نوع پوشش‌اش برآورده کرده است، یعنی حتی هدفش از پوشیدن لباس هم باید این باشد که رضایت خدا را به دست بیاورد. قبول دارم سخت است انسان به همچنین مرحله‌ای برسد، اما لازم است انسان

۱. امام علی علیه السلام می‌فرمایند: از اخلاق قوم لوط در این امت است [مانند] ... پوشیدن روپوش بلند از روی تکبر که بر زمین کشیده می‌شود، گشودن و باز گذاشتن دکمه‌های پیراهن و قبا (التحصال)، ج ۱، ص ۲۳۱.

چیزهای خوب را برای خودش الگو بداند و سعی کند به سمت آن الگو حرکت کند، بعد اگر انسان این کار را انجام دهد، خدا خودش کمک می‌کند تا انسان کم‌کم به آن سطح مطلوب برسد.



پنجره



اشتباه بعضی این است که خیال می‌کنند ظاهر مرتب باید با اشرافی‌گری و با اسراف توأم باشد؛ نه. با لباس وصله‌زده و کهنه هم می‌شود منظم و تمیز بود. لباس پیامبر ﷺ وصله‌زده و کهنه بود؛ اما لباس و سر و رویش تمیز بود.^۱

نکته آخر هم اینکه انسان‌های مؤمن نباید پوششان را مانند بیگانگان کنند، این مطلب هم مانند بحث ساده بودن لباس عرفی است، یعنی به عموم مردم دین‌دار جامعه اسلامی باید مراجعه کرد تا معیار دست انسان بیاید، مثلاً کت و شلوار پوشیدن در شرایط فعلی لباس بیگانگان محسوب نمی‌شود، شاید صد سال قبل این‌گونه بود ولی در روزگار جدید این‌طور نیست، اما مثلاً بعضی پیرهن‌ها و شلوارهای پاره و تنگ با تصاویر عجیب و غریب و جملات عجیب و غریب‌تر رویشان، یا مدل‌هایی از لباس که بیشتر شبیه لباس ورزشی می‌مانند تا لباس عادی،

۱. مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۹/۰۲/۲۳.

یا کفش‌هایی که به کفش فرعون^۱ شبیه‌تر هستند تا کفش انسان مسلمان! مشخص است که برخی لباس‌ها ظاهر انسان را شبیه بیگانگان می‌کند نه یک انسان مسلمان مؤمن!

یکی از عللی که خداوند به چنین مسئله‌ای فرمان داده است این است که پوشش یک تبلیغ محسوب می‌شود؛ گردش انسان‌ها در جامعه با پوشش‌هایی که مناسب بیگانگان است، ترویج فرهنگ بیگانه محسوب می‌شود و این فرهنگ در مرحله لباس باقی نمی‌ماند، کم‌کم این لباس‌ها رفتار، خلق و خوی، مدل حرف زدن و دیدگاه‌های انسان را هم تغییر می‌دهد. اولش شاید با پوشیدن یک شلوار مدل بیگانه شروع می‌شود، اما همین شلوار کم‌کم تمام خلق و خو و اخلاق و رفتار را تغییر می‌دهد. نه فقط برای فردی که این لباس را می‌پوشد، دیگری هم که این لباس را می‌بیند و تمایل پیدا می‌کند که آن را بپوشد تغییر می‌کند و کم‌کم تغییر پوشش و رفتار در جامعه فراگیر می‌شود.

اگر این پوشش‌های بیگانه در روح و روان آدم‌ها تأثیر نداشت هیچ‌گاه دشمنان یکی از راه‌های تغییر فرهنگ در جوامع اسلامی را مسئله پوشش قرار نمی‌دادند. دشمنان سال‌هاست یکی از محورهای تلاششان برای تغییر فرهنگ در جوامع اسلامی را همین ترویج پوشش بیگانه قرار داده‌اند. این را از متن جامعه به راحتی می‌توان تشخیص داد

۱. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: کفش باریک و نوک‌دراز نپوشید؛ چرا که آن کفش فرعون است و نخستین بار او این را پوشیده است (تحفه العقول، ص ۱۰۵).

و متأسفانه حتی گاهی دیده می‌شود که برخی مردان به زنانشان اجازه می‌دهند با لباس‌های نامناسب در جامعه ظاهر شوند.^۱

نکته دیگر اینکه انسان نباید به قول معروف جوگیر بشود و فکر کند هر چیزی که خودش فکر می‌کند درست است و اگر تشخیص داد فلان پوشش بیگانه است حتماً درست فکر می‌کند!

معمولاً برخی آدم‌ها این‌گونه فکر می‌کنند و بعد این تشخیصشان را برمی‌دارند و می‌زنند به سر دیگران و فوراً برچسب بیگانه شدن به انسان‌های دیگر می‌زنند! ملاک در این‌گونه موارد عرف مردم دیندار جامعه است و باز هم تأکید می‌کنیم اگر کسی انصاف داشته باشد و وجدانش را بگذارد مقابل خودش به سادگی می‌تواند تشخیص دهد که چه پوششی بیگانه محسوب می‌شود و این پوشش چه تأثیرات منفی‌ای به بار خواهد آورد. فقط کافی است انسان خودش را گول نزند.

حالا بیا باید این فرمول را برداریم، روی کاغذ بنویسیم و برویم برای خرید لباس، نظرتان چیست؟!

۱. رسول خدا ﷺ به علی رضی الله عنه می‌فرمایند: ای علی هر مردی از همسرش اطاعت کند، خدا او را به صورت به جهنم بیندازد، علی رضی الله عنه پرسید: چه اطاعتی؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: مردی که به همسرش در پوشیدن لباس نازک اجازه دهد (مکارم/لا خلاق، ص ۴۳۸).



﴿وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ﴾
و لباس تقوا بهتر است.

خانه مهر!



فصل چهارم



مسکن

محل خانه کجا باشد؟ با چه پولی خانه بسازیم؟ مساحت خانه چقدر باشد؟ دستشویی و حمام و اتاق خواب کجا باشند؟ در ساخت خانه از چه مصالحی استفاده شود؟ و

آدمی را نمی‌شناسم که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم با سؤالاتی از این جنس درگیر نبوده باشد.

مسئله خانه و مسکن هیچ ارتباطی به زمان ما یا کشور ما ندارد، هر جغرافیا و دوره و عصری را که نگاه کنید خواهید دید همه انسان‌ها در طول زندگی‌شان، به جهت نیازشان به یک سرپناه، خواه ناخواه این مسئله مدتی ذهنشان را درگیر می‌کند از همان دوره‌ای که انسان‌ها خانه‌هاشان در غار بوده است تا عصر حاضر که خانه‌ها به صورت عمودی به آسمان عروج کرده‌اند. در زمانه ما با ظهور انبوه‌سازی در آپارتمان‌ها و طرح‌های کلان دولتی، ذهن انسان بیشتر سمت تهیه کردن پول برای ثبت‌نام در طرح‌های مسکن است! در این عصر ما کمتر به محل ساخت خانه، نقشه خانه، مصالحی که لازم است برای ساخت به کار برده شود و ... توجه می‌کنیم و بیشتر به دنبال این هستیم

که فقط یک خانه داشته باشیم، به قولی می‌گوییم: «خانه باشد، زهر عقب باشد!»

حالا جا و نقشه و مصالحش زیاد مهم نیست! نمی‌گوییم اصلاً مهم نیست بلکه به علت فشارها و مشکلاتی که داریم به داشتن حداقل‌ها در خانه و مسکن راضی هستیم! غافل از این که خانه به اعتبار قرآن کریم باید محل آسایش و آرامش انسان باشد و بی‌توجهی کردن به جزئیات خانه آرامش و آسایش را در پی نخواهد داشت.



پنجره

﴿وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا...﴾

و خدا است که خانه‌های شما را محل سکونت و آسایش شما قرار داد ...

پس از این مقدمه می‌رسیم به یک فرمول، فرمولی که در خصوص خانه است، خانه و مسکن از نظر اسلام، حالا هرکس در این زمانه و در این شرایط هر قدر توانست خانه‌اش را به این فرمول نزدیک کند، خودش سود کرده است و خودش به محل آسایش و آرامش از نظر اسلام نزدیک شده است. فرمول خانه خیلی جالب است، وقتی انسان به جزئیاتش دقت کند و آن‌ها را با شرایط فعلی جامعه مقایسه کند،

۱. نحل، ۸۰.

نکات بسیار جالبی توجهش را جلب می‌کند و متوجه شکاف و فاصله بسیار بزرگی می‌شود بین چیزی که عمل کرده‌ایم و چیزی که اسلام می‌گوید.

نکته دیگری هم ذهن انسان را درگیر می‌کند و آن اینکه خصوصیتی که اسلام برای خانه خوب در نظر گرفته است مخصوص انسان مسلمان مؤمن نیست، هر انسان آزاده‌ای وقتی به فرمول اسلام نظر کند این فرمول را می‌پسندد و به عبارت دیگر این فرمول اسلام یک فرمول بشری است و مختص مسلمانان نیست.

و اما فرمول:

پنجره

«ساخت با پول حلال + نقشه و جای مناسب + محله و همسایگان خوب + استحکام بنا - تجملات»

فرقی ندارد این پول حرام چگونه به دست آمده باشد از طریق کلاه برداری باشد، یا استفاده از موقعیت، رشوه باشد یا ...، خانه‌ای که با پول حرام ساخته شود ولو اینکه آن پول حرام فقط یک آجر از تمام خانه باشد، خانه مطلوب از نظر اسلام نیست، این خانه برکتی نخواهد داشت و

همان یک آجر می‌شود اساس خرابی و ویرانی حقیقی آن‌خانه.^۱

خانه باید در جای مناسبی قرار گرفته باشد، مقصود از این مورد چیزی جدای از محله و همسایگان است، منظور موقعیت جغرافیایی خانه است، هم خود خانه و هم نقشه آن. مثلاً جایی ساخته شود که زمین استحکام لازم را دارد، جایی باشد که اهل خانه به امکانات مورد نیازشان دسترسی آسانی داشته باشند، دستشویی و اتاق‌ها جلوی چشم دیگران نباشد، از نظر جغرافیایی خانه دور از جامعه نباشد و زندگی در اطراف آن جریان داشته باشد، آب و هوای خوب و مناسبی داشته باشد و خانه باید محل آرامش باشد، نوع معماری خانه، مصالح، نقشه، قرار گرفتن اتاق‌ها، آشپزخانه، حمام و دستشویی و ... همگی بر روی روان انسان و آرامش انسان تأثیر می‌گذارد، معماری‌های قدیم را حتماً دیده‌اید یا برخی ممکن است در آن زندگی کرده باشند و یادشان بیاید، نوع معماری به گونه‌ای بود که همه خانواده کنار هم جمع شوند، حیاط، حوض وسط، قرار گرفتن اتاق‌ها و نوع معماری و نقشه خانه در آرامش و آسایش انسان و تربیت انسان مؤثر است. آرامش فقط برای افراد خانواده خود انسان نیست، آرامش داشتن ما در خانه مان نباید باعث از بین رفتن آرامش دیگران بشود، به همین دلیل اسلام سفارش می‌کند به ساختن خانه‌هایی که به خانه همسایه

۱. پیامبر ﷺ می‌فرمایند: از استعمال سنگ حرام در ساختمان بپرهیزید که مایه ویرانی است (مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۷۲).



شکل معماری در جامعه و در چگونگی خانه‌ای زندگی کردن، بخشی از فرهنگ جامعه را شکل می‌دهد. زیرا خانه‌های قدیمی ما یک نوع خانواده و خُلقیات بار می‌آورند (حیاط بزرگ، حوضی در وسطش و اتاق‌هایی در اطراف. از این اتاق پدر بزرگ درمی‌آید و از آن اتاق دایی و از آن یکی هم عمو. بچه‌های خانواده، همه دور هم و بر یک سفره جمع می‌شوند و در واقع، این خانه است که خانواده را به دنبال خود می‌کشاند) و آپارتمان نوعی دیگر از خانواده ایجاد می‌کند. حتی شکل در و پنجره و ارتباط اتاق‌ها با هم، به ناچار تأثیر خاصی بر ذهن و خلق و منش و تربیت افراد دارد.^۲

معماری‌های قدیم یکی از نکات مثبتشان همین مسئله بوده است، هم آرامش فرد و خانواده‌اش و هم آرامش و آسایش همسایه، اما الان آسمان خراش‌ها آسایش‌ها را بلعیده‌اند. در معماری قدیم برای راحتی

۱. [از حقوق همسایه بر انسان این است که:] ساختمان منزل خود را بلند نسازد که سبب آزار و اذیت او شود نسبت به اشرافی که به منزل او پیدا می‌کند، جلوی فضا و دیدگاه او را سد نکند و از ورود و خروج هوای سالم به منزل او جلوگیری نکند (مستدرک‌الوسائل، ج ۸، ص ۴۲۷).
۲. مقام معظم رهبری، در دیدار اعضای شوراهای فرهنگ عمومی استان‌ها، ۱۳۷۴/۰۴/۱۹.

زن‌ها و مردها دو نوع کوبه در بود که با توجه به صدای متفاوتشان شخصی که در خانه بود می‌فهمید مردی پشت در است و یا زنی ...

از این نکته که بگذریم خانه‌ای از نظر اسلام خوب است که در محله‌ای خوب قرار گرفته باشد و همسایگان انسان، انسان‌های نیکوکار و صالحی باشند.^۱ اسلام نگفته است در محله‌ای زندگی کن که انسان‌های با ثروت زیاد زندگی می‌کنند بلکه نیکوکاری و صالح بودن همسایه‌ها را مورد توجه قرار داده است.

چرا؟ چرا این مسئله این قدر مهم است؟ چون انسان‌های زیادی هستند که فقط به علت داشتن همسایه‌های بد و آزارشان مجبور شده‌اند خانه‌هایشان را به قیمت‌هایی بسیار کم بفروشند و از آن محله بروند، چون انسان برای اینکه آسایش داشته باشد و در پرتو این آسایش بتواند به عبادت خدا بپردازد، لازم است در خانه‌ای زندگی کند که محل و همسایگانش خوب باشند. اما خوب به اعتبار دین، اخلاق و نیکوکاری.

نکته بسیار مهم دیگر در خصوص خانه این است که خانه باید بنایش مستحکم باشد،^۲ بلایای طبیعی در زندگی انسان بسیار اتفاق می‌افتد، سیل هست، زلزله هست، رانش زمین هست، طوفان هست و ...

۱. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: خانه را شرافتی است. شرافت خانه به ... هم نشینان خوب است. و خانه را برکتی است، برکت خانه جایگاه خوب آن ... و همسایگان خوب آن است (مکارم‌الاخلاق، ص ۱۲۶).

۲. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: خداوند دوست دارد وقتی بنده‌ای کاری انجام می‌دهد، محکم و استوار انجام دهد (وسائل‌الشیعه، ج ۳، ص ۲۳۰).

خانه را باید به گونه‌ای ساخت که در مقابل بلایای طبیعی حداقل اندکی مقاوم باشد، ما امروزه خانه‌ها را به گونه‌ای می‌سازیم که عمر مفیدشان گاهی به چهل سال هم نمی‌رسد و برخی از خانه‌های ما بعد از چهل سال بدون اینکه زلزله‌ای چیزی بیاید تنها با وزیدن یک باد تند ممکن است ویران شود!

کشور ما و مردم ما از این مستحکم نبودن خانه‌ها ضرر و زیان‌های زیادی دیده‌اند، یک نمونه‌اش زلزلهٔ شهرستان بم در استان کرمان، با آن همه کشته، اگر خانه‌ها مستحکم‌تر ساخته می‌شدند وضعیت کشته‌شدگان از زلزله به این سطحی که الآن هست نبود، خیلی از کشورهای شرق آسیا زلزله‌هاشان بیشتر از کشور ماست هم به لحاظ قدرت و هم به لحاظ تعداد و مدت زلزله، اما میزان تلفاتشان از ما کمتر است، چرا؟ چون خانه‌هاشان را مستحکم می‌سازند و به این دستور اسلام بیشتر از ما که مسلمانیم توجه می‌کنند.

و اما تجمل، تجمل خانه فقط به محله‌ی آن و یا به کار بردن مصالح ساختمانی خیلی گران و تجملاتی نیست، استفاده از نقشه‌ای که نشان از تجمل باشد و اینکه حتی خانه دارای وسعتی بیش از حد کفاف خانواده^۱ باشد تجمل محسوب می‌شود و در روز قیامت وبال گردن

۱. گفته شد یا رسول الله [انسان] چطور برای خودنمایی و شهرت [خانه‌ای] بنا می‌کند؟ فرمودند: خانه را بیشتر از نیازش می‌سازد تا بر همسایگان خویش تکبر ورزد و بر برادرانش فخر بفروشد (وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۳۸).

مالکش خواهد بود.^۱ هرچه که انسان بیشتر با تجمل آجرهای خانه اش را بالا ببرد بیشتر از قبل دینش پائین می آید. یکی از سعادت های انسان و راه های غلبه انسان بر مشکلات زندگی داشتن خانه ای خوب، تمیز و دارای وسعتی به اندازه است، اتاق ها به اندازه و تمیز باشند، آشپزخانه و محل پخت و پز مناسب و در جایی راحت برای آشپز باشد، دستشویی و حمام تمیز و در جایی دور از چشم دیگران باشد و

هیچ کس منکر این نیست، اما گاهی دیده می شود انسان ها برای اینکه به یکدیگر فخر بفروشند، یا اینکه احترامی چیزی بین اهالی محل یا فامیل کسب کنند دست به استفاده از تجمل می زنند، اینکه خانه تمیز باشد، وسعتش به اندازه باشد و ... به هیچ وجه چیزهای بدی نیستند، اما قرار است خانه بشود مایه آرامش انسان تا انسان بهتر و بیشتر بتواند بندگی خدا را بکند نه اینکه خود این خانه و ساخت و ساز و مصالح و نقشه اش و ... بشود دلیل برای آسایش نداشتن انسان در خانه ای ابدی اش

قبر ...

برای آن خانه چه کرده ایم؟! مسکن مهر یعنی جایی که انسان به جهت اینکه آرامش دارد مهرورزی می کند و مهربانی و همین مهرورزی کردن و مهربانی کردن برایش بندگی کردن را به ارمغان می آورد و می شود

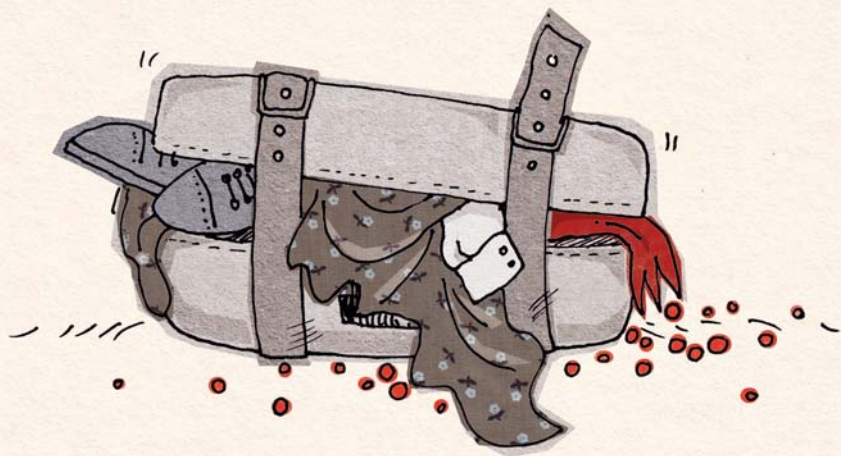
۱. هر ساختمانی که بیش از حد کفاف باشد، روز قیامت وبال [کردن] مالکش خواهد بود (وسائل - الشیعه، ج ۵، ص ۳۳۷).

دلیل تا در خانه ابدی اش آرامش داشته باشد. آرامش اصلی آن جاست.
جویری زندگی کنیم که وقتی از دنیا رفتیم خانه ابدی مان محل آسایش
و آرامش مان باشد.

ضرورت



فصل پنجم



خرید

می‌دانید ضرورت چیست؟ ضرورت همان چیزی است که خودمان در حالت خودمانی به آن می‌گوییم ضرورت!

مثلاً وقتی دانشگاهی می‌خواهد اردوی کوه‌نوردی ببرد می‌گوید: «از آوردن وسائل غیرضروری خودداری نمائید!» یا مثلاً وقتی می‌خواهید با پدر و مادرتان به مسافرت یکی دو روزه بروید اگر یک وانت گوشت گوسفند برای خوردن بار خودتان بکنید، پدر و مادرتان (در صورتی که خیلی مودب باشند و به خاطر این کار به عقلمندان شک نکنند!) می‌گویند: «عزیزم این قدر گوشت که نیاز نمی‌شود... فقط به مقدار ضرورت بیاور!» یا مثلاً می‌گوییم: «انسان ضرورت دارد چیزی بخورد چرا که اگر نخورد می‌میرد!».

ضرورت در مورد بازار رفتن و خرید کردن هم به کار می‌رود.

در فرمول رفتار ما در خرید کردن از این ضرورت استفاده می‌شود و این فرمول از قرار ذیل است:

«آیا + ضرورت دارد + جنسی که می‌خواهم + بخرم؟»

مثلاً اگر قرار است تلویزیون بخرید به خودتان بگویید: «آیا ضرورت دارد تلویزیون ۴۲ اینچ بخرم؟» یا اگر قرار است خانه بخرید بگویید: «آیا ضرورت دارد خانه‌ای در محله فلان بخرم؟» یا اینکه اگر قرار است یک چیز ساده مثل پفک، لواشک، دمپایی و ... غیره بخرید از خودتان این را سؤال بکنید که آیا ضرورت دارد؟!

این سؤال را از خودتان پرسیدید، بعد چه می‌شود؟ بلافاصله بعد از پرسیدن این سؤال ممکن است تصویری از کارهای ضروری دیگری که می‌شود به جای این خرید انجام داد، ذهنتان را می‌گیرد.

مثلاً ممکن است با خود بگویید تلویزیون می‌تواند کوچک تر هم باشد، پس ضرورتی ندارد آن تلویزیون ۴۲ اینچ را بخرم، خانه می‌تواند در محله فلان نباشد و ضرورتی به داشتن خانه در آن محله نیست و ... انسان‌هایی هستند هیچ احتیاجی به خانه و ساخت و ساز آن ندارند و حتی شغلشان هم این نیست اما بی‌خود و بی‌جهت مالشان را صرف خانه‌ای می‌کنند که نه خودشان و نه دیگری بنا نیست در آن ساکن شود و ... استفاده از فرمول ضرورت چقدر برای این دسته از انسان‌ها حیاتی و ضروری است.



امام رضا علیه السلام از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

فَلَا تَبْنُوا مَا لَا تَسْكُنُونَ وَلَا تَجْمَعُوا مَا لَا تَأْكُلُونَ وَ اتَّقُوا اللَّهَ
الَّذِي إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ^۱.

چیزی را که در آن سکونت نمی کنید، نسازید و چیزی را که نمی خورید، انباشته نکنید و از خداوندی که به سوی او خواهید رفت، بترسید.

ما برای مدت بسیار کمی اینجا هستیم، منظور این دنیاست. گاهی بعضی خریدهای ما مثل آن مسافرت دو روزه با پدر و مادر و یک وانت گوشت گوسفند است که به آن هیچ احتیاجی نیست و هیچ استفاده‌ای از آن نمی‌شود.

این مدت کمی که در این دنیا حضور داریم واقعاً و انصافاً ارزش بعضی چیزها را ندارد. هیچ مشکلی پیش نمی‌آید اگر به جای برخی خریدهای غیر ضروری کار ضروری دیگری بکنیم. آن ضرورت می‌تواند کمک کردن به بعضی بچه‌های مناطق محروم کشورمان باشد که ساده‌ترین احتیاجات زندگی را هم ندارند. آن ضرورت می‌تواند آینده‌نگری و ذخیره

۱. بحارالأنوار، ج ۲۲، ص ۱۴۴.

کردن این پول برای زندگی بهتر فرزندانمان و یا حتی خودمان باشد. آن ضرورت می‌تواند هزینه کردن آن پول در یک کار اقتصادی باشد. حتی همان مقداری را هم که تصور می‌کنیم بسیار کم است اگر کم‌کم ذخیره کنیم می‌تواند در یک کار کوچک اقتصادی به یک انسان فعال در این زمینه کمک کند، خدا را شکر در این زمانه با ظهور اوراق مشارکت و سهام‌های مختلف شرکت‌ها و ... حتی با هزینه کم هم می‌شود سهم کوچکی در اقتصاد ایفا کرد.

به این فکر می‌کنم که چه دنیای قشنگی می‌شود اگر آدم‌ها در خریدهایشان از این فرمول استفاده کنند.



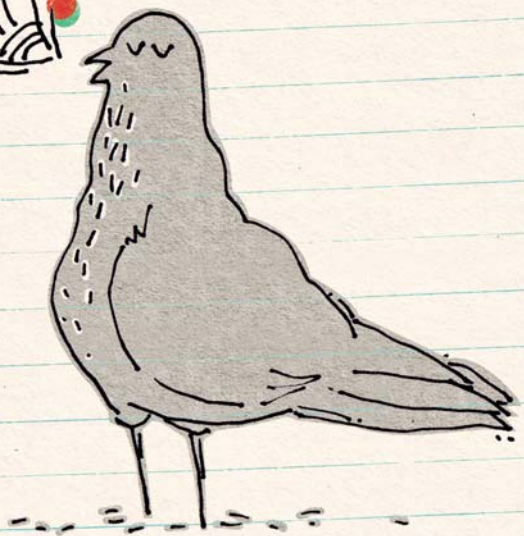
پنجره

آن وقتی که جامعه احتیاج دارد، می‌بینیم که با آن پولی که این آقا ... صرف یک خرید بیجا می‌کند ... در حالی که به آن نیازی هم ندارد ... این پولی است که اگر [با هم جمع بشوند] ... صرف فلان پروژه عمرانی در کشور بشود، بخش عظیمی از مردم از آن استفاده خواهند کرد و از فقر رهایی خواهند یافت.^۱

بخوانیم و بنویسیم



فصل ششم



زبان فارسی

زبان فارسی جزو فرهنگ ما و جزئی از سنت‌های ما محسوب می‌شود، ما با این سنت چه کرده‌ایم؟ از خود ما گرفته تا دیگران! یک وقت یک انسانی مثل بنده نسبت به بعضی چیزها در زبان فارسی، بعضی لغات و بعضی دستور زبان‌ها و ... جاهل است و می‌رود می‌پرسد مقداری می‌فهمد و بر همان اساس می‌نویسد، این آدم رفته پرسیده تلاش کرده که خودش را اصلاح کند حالا در حد نوشتن و خواندنش را سعی کرده است فارسی باشد، این بنده خدا را نمی‌شود زیاد سرزنش کرد، به هر حال تلاش خودش را کرده است. اما یک وقت است مجموعه‌ای از آدم‌ها اساساً هیچ علاقه‌ای به استفاده از لغات فارسی ندارند، یک جورهایی ننگشان می‌آید از زبان بومی‌شان استفاده کنند، چرا باید این گونه باشد؟ اسلام سفارش می‌کند به اینکه سنت‌های نیکو لازم است حفظ شود و نباید به آن‌ها زیان وارد کرد.^۱

قبول کردیم که باید زبان فارسی را به عنوان بخشی از سنت و

۱. حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر در خصوص سرزمین مصر می‌فرمایند: سنت نیکویی را که بزرگان این امت به آن عمل کرده‌اند و رعیت بر آن سنت به نظام آمده و حالش نیکو شده است را مشکن و سنتی میاور که به سنت‌های نیکوی گذشته زیان رساند (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

فرهنگ‌مان حفظ کنیم، فرمول رفتار با زبان فارسی چیست؟ با این زبان باید چگونه تعامل کنیم؟ با این زبان باید چگونه رفتار کنیم؟ رفتار با زبان فارسی در فرمول زیر آمده است:

پنجره



«تعمیق + گسترش - ورود لغات بیگانه»

زبان فارسی نیازمند تعمیق است، تعمیق از همان عمق می‌آید که مثلاً در استخر به کار می‌بریم، این تعمیق یعنی اینکه وارد عمق زبان فارسی بشویم، در سطح نماییم، این به هر حال کار پژوهشگران است که وارد عمق زبان فارسی بشوند و مسائل مختلفی را که در این خصوص وجود دارد، بررسی کنند؛ شیوه‌های آموزشی، لغات مختلفی که وارد می‌شود و نیاز به معادل‌سازی دارد، شیوه‌های نوشتن و ... تمام مسائلی که در خصوص زبان فارسی مطرح است و حتی بررسی همین حجم‌ها و مسائلی که علیه زبان فارسی اتفاق می‌افتد، جزو تعمیق محسوب می‌شود. درست است که کار اصلی در خصوص تعمیق بر عهده پژوهشگران زبان فارسی است، اما ما مردم عادی هم می‌توانیم در حد نیاز خودمان به زبان فارسی کمک کنیم و آن را گسترش داده و از ورود لغات بیگانه در کلام و نوشتار خودمان جلوگیری کنیم. ما می‌توانیم

حداقل در روابط عادی روزمره خودمان از لغات فارسی استفاده کنیم و اگر یک لغت را یاد گرفتیم کم‌کم لغات دیگر را هم بیاموزیم تا زمانی که تمام لغات خارجی از فرهنگ لغت نوشتاری و گفتاری مان حذف شوند.

شاید برایتان جالب باشد که بدانید روزی زبان فارسی زبان علمی بخش قابل توجهی از جهان بوده است، قسطنطنیه قدیم، شبه قاره هند و خیلی مکان‌های دیگر از زبان فارسی استفاده می‌کرده‌اند، اما بعد مهاجمان خارجی و انگلیسی‌ها آمدند و اولین کاری که کردند این بود که زبان فارسی را از بین ببرند و زبان انگلیسی و خارجی را در آن‌جا حاکم کنند.



پنجره

زبان فارسی یک روزی از قسطنطنیه آن روز، از استانبول آن روز، زبان علمی بوده تا شبه قاره هند؛ اینکه عرض می‌کنم از روی اطلاع است. در آستانه - مرکز حکومت عثمانی - زبان رسمی در یک برهه طولانی‌ای از زمان، زبان فارسی بوده. در شبه قاره هند برجسته‌ترین شخصیت‌ها با زبان فارسی حرف می‌زدند و انگلیس‌ها اولی که آمدند شبه قاره هند، یکی از کارهایی که کردند این بود که زبان فارسی را متوقف کنند؛ جلو زبان فارسی را با انواع حیل و مکرهایی که مخصوص

انگلیس‌ها است گرفتند.^۱

امید است همه در حد فهم و توانی که داریم از این فرهنگ و سنت بومی خودمان به درستی پاسداری کنیم، تک‌تک ما یک رسانه هستیم و یک تبلیغ‌کننده و گسترش‌دهندهٔ زبان فارسی. به هر حال ما از این زبان استفاده می‌کنیم، همین که در جامعه، در خانه، در محل کار، در کوچه و خیابان به درستی از زبان فارسی استفاده کنیم و خصوصاً از لغات بیگانه استفاده نکنیم می‌شود ترویج و گسترش و تبلیغ زبان فارسی. شاید که روزی تمام لغات بیگانه از زبان عزیزمان حذف شوند و اینکه ما روش ملت‌ها و دولت‌های کشورهای دیگر را پیش بگیریم که سرانجامشان شد اینکه چیزی از زبان بومی‌شان جز حرف‌هایی در لابه‌لای کتاب‌های کتابخانه‌های قدیمی نماند. ما به امید خدا زبان فارسی‌مان را به خوبی حفظ خواهیم کرد. تاریخ خواهد گفت.



پنجره

﴿يُرِيدُ اللَّهُ لِيُبَيِّنَ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سُنَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ﴾^۲
خدا می‌خواهد روش‌های کسانی را که پیش از شما بودند،
برای شما بیان کند و شما را بدان هدایت فرماید.

۱. مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۹/۰۹/۱۳۹۲.

۲. نساء، ۲۶.

باید به سلامت و بهداشت، آراستگی، لباس و پوشش و مسکن در زندگی‌ات اهمیت بدهی و در همه این‌ها تمیزی و سادگی و رعایت موازین شرعی شرط است.

می‌دانی که باید در خریده‌های زندگی‌ات ضرورت را در نظر بگیری و سعی کنی به کمک به دیگران به جای خریده‌های غیرضروری اهمیت بدهی و در نهایت اینکه زبان فارسی را پاس بداری و از ورود لغات بیگانه به این زبان جلوگیری کنی. این‌ها «زیبایی و آراستگی» برخی از جزئیات زندگی‌ات هستند.

۱. ماه تابان. سید محمود طاهری. انتشارات مرکز پژوهش‌های



- اسلامی صدا و سیما.
۲. سرّ پوئش. مجموعه رهنما جلد ۹۷. علیرضا مستشاری. معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی آستان قدس رضوی.
۳. پرسمان رضوی جلد ۷. سبک زندگی (منشور زندگی در منظر امام رضا علیه السلام). معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی آستان قدس رضوی.